

املا صدق

عَلَى السَّيْرِ

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ،
فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا

کسے کہ بدون «بصیرت» عمل مے کند،
همچون زندہ ای است کہ در بیراهہ
مے رود؛ پس ہر چہ سریع تر رود، از
مقصد دورتر مے شود.





السيرة
أمل صادق

حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْبَعَ وَيَجُوعُ أَخُوهُ

**حق مسلمان بر مسلمان آن است که
خودش سیر نباشد و برادرش
گرسنه بماند.**

کافی، ج ۲، ص ۱۷۰



Ahlulbait.com



السيرة
أمل صادق

أَحِبُّوا النَّاسَ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ

**برای مردم دوست بدارید آنچه را
برای خودتان دوست می دارید.**



املا صدق

عَلَيْهِ السَّلَام



أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي

محبوب ترین برادرانم نزد من کسے
است کہ عیب های مرا بہ من بہ عنوان
«ہدیہ» بازگوید.



املا صدق

عَلَيْهِ السَّلَام



إِجْعَلْ نَفْسَكَ عَدُوًّا تُجَاهِدُهُ وَعَارِيَةً تَرْدُّهَا

نفس خودت را دشمنی قرار بده، که

با آن مبارزه می کنی و عاریه ای

بشمار که آن را برمی گردانی.



املا صدق

عَلَى السَّبِيلِ



حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يَعْضِضَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ
وَلَيْلَةٍ عَلَى نَفْسِهِ، فَيَكُونَ مُحَاسِبَ نَفْسِهِ

بر هر مسلمانے که ما را می شناسد
(و ما را به رهبری قبول دارد) سزاوار
است که هر روز و شب، عمل خود را
بر خویش عرضه بدارد و حسابگر
نفس خویش باشد.



السيرة
أهل البيت

لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا

از شیعیان ما نیست، کسی که به زبان
دم از ما بزند، ولی در اعمال و آثار ما، با ما
مخالفت کند.





إِنَّ الشَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى

**اسراف موجب فقر مے شود و میانہ روی
ثروتمندی ایجاد مے کند.**



عَلَيْهِ السَّلَامُ

املاصادات

الْمَعْرُوفُ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ إِلَى عَبْدِهِ، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يُحِبُّ
أَنْ يَصْنَعَ الْمَعْرُوفَ إِلَى النَّاسِ يَصْنَعُهُ وَلَا كُلُّ مَنْ رَغِبَ
فِيهِ يَقْدِرُ عَلَيْهِ

نیکی (به مردم) هدیه ای از سوی خداوند به
بنده اش است و چنان نیست که هر که
دوست دارد به مردم نیکی کند، آن را انجام
دهد، و چنان نیست که هر کس علاقه به
کار نیک داشته باشد، بر آن قادر شود.



املا صلاتی

مَا عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مَدْمُومًا عِنْدَ النَّاسِ، إِذَا
كُنْتَ عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُودًا

تورا چه باک، از این که نزد مردم
ناپسند باشی، آن گاه که پیش
خداوند، پسندیده ای.



عَلَى سِرِّهَا أَمْطِ صَادِقَاتِي

لَيْتَ الشَّيَاطِطُ عَلَى رُؤُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا فِي
الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ

كاش، تازیانه، بالای سر اصحاب من بود،
تا در حلال و حرام، دین شناس شوند.

المحاسن، ج ۱، ص ۳۵۸



Ahlulbait.com



املا صلاتي

أَلْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ

آن کس کہ بہ زمان خویش دانا و آشنا
باشد، شبہات بہ او هجوم نمے آورند.

تحف العقول، ص ۳۵۶



Ahlulbait.com



املا صدق

إِنَّمَا أَوْلِيَاؤُنَا الَّذِينَ سَلَّمُوا إِلَيْنَا وَاتَّبَعُوا آثَارَنَا
وَاقْتَدُوا بِنَا فِي كُلِّ أُمُورِنَا

**دوستان من کسانی اند که تسلیم فرمان
مایند و از آثار ما پیروی می کنند و در
همه ی امورمان به ما اقتدا می کنند.**

تحف العقول، ص ۳۰۹



Ahlulbait.com

املا صدق

عَلَى السَّبِيلِ

الإسلام عُريانٌ، فَلِبَاسِهِ الْحَيَاءُ، وَزِينَتُهُ الْوَقَارُ
وَمُرُوءَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ

**اسلام، عريان است. لباس آن شرم و
حیاست، زینت آن وقار است،
جوانمردی آن عمل صالح است و
ستون آن پارسایه است.**



املاصادات

عَلَى السَّيْرَةِ



أَرْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَا يُجْزِيكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ،
وَخَفَهُ خَوْفًا لَا يُؤْسِكُ مِنْ رَحْمَتِهِ

به خداوند امید داشته باش، امیدی که
تورا بر معصیت و گناه، گستاخ نسازد.
و از او بترس، ترسے که تورا از
رحمتش ناامید نکند.

تحف العقول، ص ۲۰۴



Ahlulbait.com



عَلَيْهِ السَّلَامُ

امراض الادب

إِنَّ لِلشَّيْطَانِ مَصَانِدَ يَصْطَادُ بِهَا،
فَتَحَامُوا شِبَاكَهُ وَ مَصَانِدَهُ

به درستی که شیطان دامهایی دارد که
با آن شکار می کند، پس، از تور و دامهای
شیطان بر حذر باشید و دوری کنید.

تحف العقول، ص ۳۰۲



Ahlulbait.com

املا صدق

عالبیلا



مَا ضَعْفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتَ عَلَيْهِ النَّيَّةُ

**چون نیت بر انجام کاری قوی باشد هیچ
بدنہ احساس ضعف و ناتوانی نمے کند.**

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۰



Ahlulbait.com

عَلَيْهِ السَّلَامُ

املا صدق

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةً،
وَزَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ

هر چیزی زکاتے دارد، و زکات دانش
آن است که عالم، آن را به اهلش
تعلیم دهد

تحف العقول، ص ۲۶۴



Ahlulbait.com

عَلَيْهِ السَّلَامُ

امراض ادب

ثَلَاثَةٌ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنٍ: لَا يُعْرَفُ الْحَكِيمُ إِلَّا
عِنْدَ الْغَضَبِ، وَلَا الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ، وَلَا الْأَخُ إِلَّا
عِنْدَ الْحَاجَةِ

سه نفر جز در سه موقع شناخته نمی شوند:

حکیم و بردبار جز در هنگام خشم شناخته

نمی شود، شجاع، جز در هنگام جنگ

شناخته نمی شود، و برادر جز در وقت

نیازمندی شناخته نمی شود.



املا صدق

عَلَى سَبِيلِ



بُرُوا آبَاءَ كَرِيمِكُمْ أَبْنَاءَ كَرْمٍ وَعِفْوَاعِنِ نِسَاءِ النَّاسِ،
تَعِفُّ نِسَاؤُكُمْ

به پدرانتان نیکه کنید، تا فرزندانتان
هم به شما نیکه کنند و نسبت به زنان
مردم عفت داشته باشید، تا زنان شما
هم عقیف و پاکدامن بمانند.



عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام صادق

قِيلَ لَهُ: عَلَىٰ مَاذَا بَنَيْتَ أَمْرَكَ؟ فَقَالَ: عَلَىٰ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلِمْتُ أَنَّ عَمَلِي لَا يَعْمَلُهُ
غَيْرِي، فَاجْتَهَدْتُ، وَعَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ، فَاسْتَحْيَيْتُ، وَعَلِمْتُ أَنَّ
رِزْقِي لَا يَأْكُلُهُ غَيْرِي، فَاطْمَأْنَنْتُ، وَعَلِمْتُ أَنَّ آخِرَ عُمْرِي الْمَوْتُ، فَاسْتَعَدَدْتُ

به امام صادق (علیه السلام) گفتند: کار خود را بر چه پایه

ای بنا گذاشته؟ فرمود: بر چهار چیز: دانستم که کار مرا،

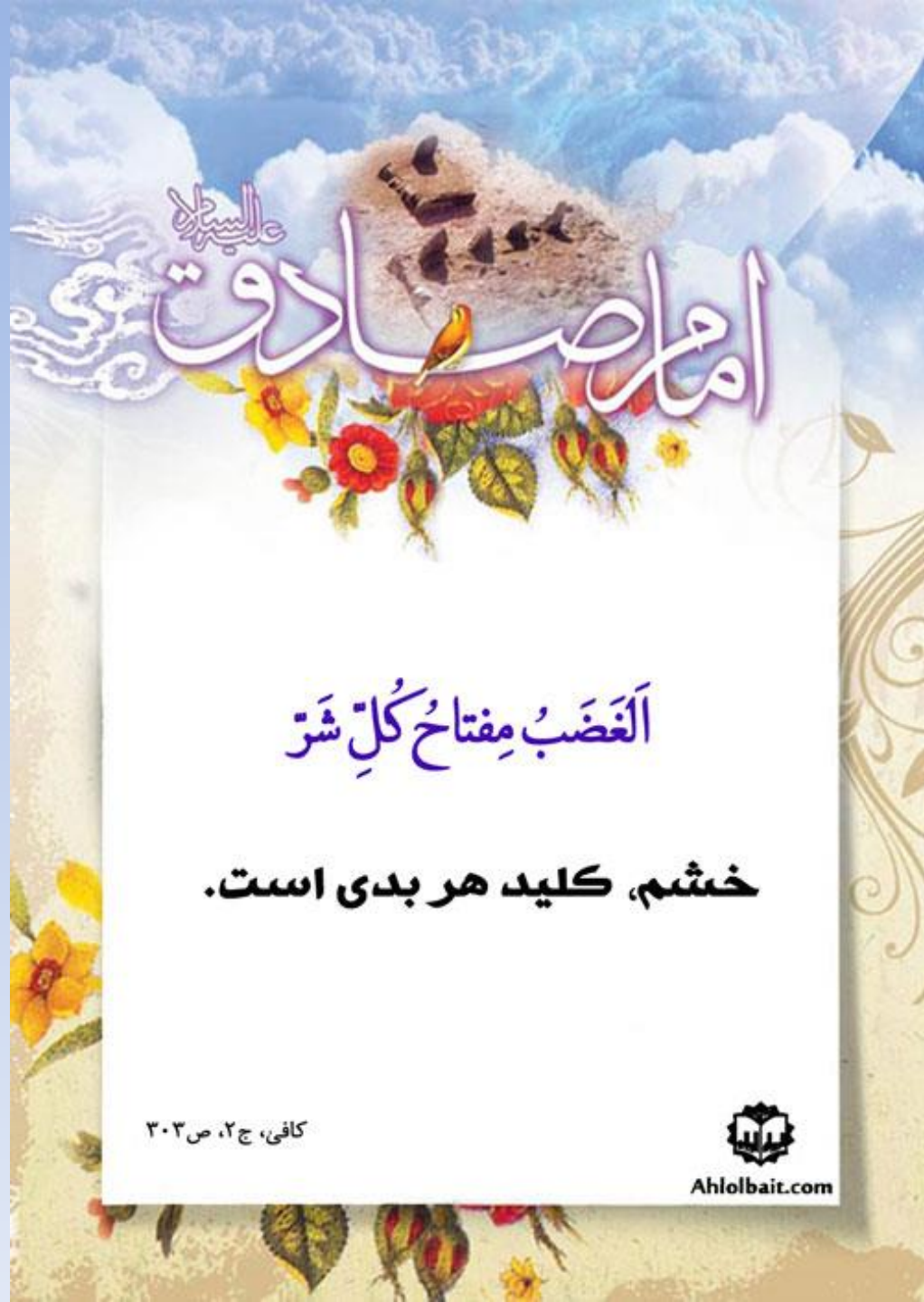
جز خود کسی انجام نمی دهد، پس تلاش کردم، دانستم

که خداوند متعال بر من آگاه است، پس حیا کردم، دانستم

که رزق مرا دیگری نمی خورد، پس اطمینان یافتم، و

دانستم که پایان عمر من، مرگ است، پس آماده شدم.





عَلَيْهِ السَّلَامُ

املاصلاا

الغضب مفتاح كل شر

ختم، کلید هر بدی است.

کافی، ج ۲، ص ۳۰۳



Ahlulbait.com

عَلَيْهِ السَّلَامُ

امراض الادي

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانُ: مَنْ إِذَا غَضِبَ لَمْ
يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنَ الْحَقِّ، وَإِذَا رَضِيَ لَمْ يُخْرِجْهُ رِضَاهُ إِلَى
الْبَاطِلِ، وَإِذَا قَدِرَ عَفَا

سه چیز است که در هر که باشد، ایمانش

کامل است: کسی که وقتی خشمگین شد،

خشمش او را از حق، بیرون نبرد و هرگاه خرسند

شد، رضا و خشنودیش او را به سوی باطل

نکشاند و هرگاه توانا شد، عفو کند.



عَلَيْهِ السَّلَامُ

املا صدق

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ فَاعِلِهَا: الرَّسُولُ عَلَى
قَدَرٍ مَنْ أَرْسَلَهُ، وَالْهَدِيَّةُ عَلَى قَدَرٍ مُهْدِيهَا،
وَالكِتَابُ عَلَى قَدَرِ كَاتِبِهِ

سه چیز بر عقل صاحبان آنها دلالت می کند:
فرستاده، قدر موقعیت فرستنده را نشان می
دهد. هدیه، نشانه قدر و خرد هدیه دهنده
است. و نوشته و نامه، نشانه ی عقل
نویسنده ی آن است.





السيرة
أمل صادق

الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ

دل، حرم خداست. پس در حرم

خدا غیر خدا را ساکن مکن

جامع الأخبار، ص ۱۸۵



Ahlulbait.com

املاصادات

على السيرة



التَّوَّاصُلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ،
وَالْتَّوَّاصُلُ فِي السَّفَرِ الْمَكَاتِبَةُ

پیوند میان برادران دینی در وطن،
دیدار و در سفر، نامه نگاری است.





أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ، الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّارُ، وَالْعَدَاوَةُ،
وَالْفَقْرُ وَالْمَرَضُ

چهار چیز است که اندک آن نیز بسیار
است: آتش، دشمنی، فقر و بیماری.



املاصادات على السيرة

مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَغَنًى بِلَا مَالٍ وَهَيْبَةً بِلَا
سُلْطَانٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَنِ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ

هر کس عزت بدون عشیره و فامیل و ثروت
بدون مال و هیبت بدون حکومت و قدرت
مے خواهد، پس، از ذلت معصیت خدا
بیرون آید و به عزت اطاعت خدا وارد شود.



عَلَيْهِ السَّلَامُ

امراضِ

أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ الْقَرَائِضَ؛
أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ؛ أَشَدُّ النَّاسِ إِجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ

**پارساترین مردم کسی است که در برخورد
با شبهه، توقف و درنگ کند؛ عابدترین مردم**

کسی است که واجبات را برپا دارد؛

زاهدترین مردم کسی است که حرام را

ترک کند و کوشاترین مردم کسی است

که گناهان را ترک کند.



املا صدق

عَلَى سَبِيلِ

إِذَا كَانَ الزَّمَانُ زَمَانَ جَوْرٍ وَأَهْلُهُ أَهْلَ غَدْرِ
فَالطَّمَانِينَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ عَجْزٌ

هرگاه زمانه، زمانه ی جور باشد و مردم
آن زمان اهل نیرنگ باشند، اطمینان
کردن به هر کس، ناتوانه است.





السيرة
أمل صادق

مَا أَقْبَحَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ

چه زشت است برای مؤمن که رغبت
و خواسته ای داشته باشد که او را
ذلیل و خوار کند.





السيرة
أمل صادق

إِنَّ مِنْ بَرَكَهِ الْمَرَأَةَ قَلَّةُ مَهْرِهَا

از برکت و خجستگی زن، آن است
که مهرینه اش کم باشد.



املا صدق

عَلَيْهِ السَّلَامُ



لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ،
وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ

اسرافکار سه نشانه دارد: چیزی می خرد
که در شان او نیست؛ چیزی می پوشد
که در شان او نیست؛ چیزی می خورد
که در شان او نیست.



املا صدقہ

عَلَيْهِ السَّلَام



لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِتًا.
فَإِذَا تَكَلَّمَ، كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مَسِيئًا

پیوستہ بندہ مؤمن، نیکوکار نوشتہ مے
شود و محسوب مے گردد، تا وقتے کہ
ساکت باشد. ولے آن گاہ کہ سخن گفت،
یا نیکوکار یا بدکار نوشتہ مے شود.



املا صدق

عَلَى سَبِيلِ



يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ،
وَيَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ

مردم بہ سبب احسان خود، بیشتر
زندگی مے کنند تا بہ سبب عمرشان و
بہ دلیل گناہانشان بیشتر مے میرند تا
بہ خاطر اجلاہیشان.



املا صلوات على السيرة

مَنْ بَدَأَ بِكَلَامٍ قَبْلَ سَلَامٍ فَشَلَا تُجِيبُوهُ

هر کس پیش از سلام دادن،
آغاز به سخن کرد، جوابش ندهید.

تحف العقول، ص ۲۴۵



Ahlulbait.com

املا صدق

عالمی



اُكْتُبُوا، فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا

**بنویسید، چرا کہ شما ہرگز اعلوم خود
را حفظ نہی کنید، مگر آن کہ بنویسید**

کافی، ج ۲، ص ۵۲



Ahlulbait.com

املا صادات

عَلَيْهِ السَّلَام



مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ عَالَمٌ يَوْمٌ سُلْطَانًا جَائِرًا
مُعِينًا لَهُ عَلَى جَوْرِهِ

**ملعون است، ملعون است دانشمندی که
سراغ فرمانروای ستمگر برود و یاور او
در ستمگریش باشد.**



املا صدق

عالبیلا



إِذَا ضَمَّتْ فَلْيَضْمِ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ
وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ

هرگاه روزه گرفته، پس گوش، چشم،
مو و پوستت نیز روزه باشد.

